

## تفسیر میثاق در آیه شریفه «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ»

عبدالله موحدی محب \*

### چکیده

انتظار منجی و ایده آینده بهتر، به عنوان حقیقتی قبل احترام در شرایع آسمانی است. درباره حقیقت انتظار به عنوان پیمانی آسمانی در نهن و زندگی پیامبران الهی و امتهای آنان از آغاز تاریخ نبوت در نگاه قرآن، پژوهش در خوری انجام نشده است. بررسی‌های انجام یافته بیانگر آن است که توجیه انتظار به صورت جریانی پیوسته در تاریخ نبوت در آیه ۸۱ سوره آل عمران قبل تحقیق است. براساس این آیه بن‌مایه اصلی مقاله حاضر، تبیین فلسفه اصل انتظار به مثابه عامل رشد روانی امتهای و تمرین و تحصیل آماجگی هرچه بیشتر در جهت پذیرش وضعیت بهتر در تمامی عصرها و نسلها می‌باشد. حقیقتی که می‌توان از آن به عنوان یکی از علل اساسی پنهان ماندن زمان ظهور منجی در حکمت خداوندی یاد کرد.

### واژگان کلیدی

آیه ۸۱ سوره آل عمران، میثاق پیامبران، انتظار، منجی بشریت.

movahhedimoheb@gmail.com  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۲۱

\*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه کاشان.  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۱۲

## طرح مسئله

بزرگان اندیشه بشری در مورد بشارت به ظهور منجی و تصویر آینده بشریت و جمعه آرمی در ادیان آسمانی و مکتب‌های زمینی سخن فراوان گفته و درزنگ‌هایی درخور، روا داشته و جستجوهای ژرفی را سلمان داده‌اند که هر کدام در جای خود، بایسته و ارزشمند است (برای نمونه ر.ک به: زرین‌کوب، ۱۳۶۲: فصل ۱۲؛ طالقلی، ۱۳۴۴: مصباح‌یزدی، ۱۳۸۸: ۳۹۵) اما حقیقت این باور، به مثابه اصلی بنیادین در آموز‌های قرآنی و رهنمودهای پیشوایان معصوم دین<sup>۱</sup> بسیار چشمگیرتر می‌نماید، منابع اسلامی، چندان از این مقوله و دیگر مقولات مرتبط با آن سرشار است. آثاری چون: *منتخب‌الاثار، المهدی عند اهل السنة، المهدی المنتظر عند علماء السنة و الشيعة* و ... که بر پایه آن می‌توان به وجهی اسلام را کیش انتظار قلمداد کرد؛ در میان مذاهب اسلامی آموز‌های شیعی از برجستگی بیشتری برخوردار است به‌گونه‌ای که کسی چون هلدی کرین فیلسوف و مستشرق معاصر بر پایه همان آموز‌ها گفته است: به عقیده من تشیع تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهیه را میان خدا و خلق برای همیشه نگه داشته و به‌طور استمرار و پیوستگی، ولایت را زنده و پابرجا می‌دارد (علم‌الهدی، ۱۳۵۳: ۹۵) بدین روی وی معتقد است که در دنیا یگانه مذهب زنده و اصیل، مذهب شیعه است؛ چراکه قائل به وجود امام زنده است و اساس اعتقاد آن بر این مبنا قرار دارد. (حسینی تهرانی، ۱۴۰۲: ۴۶)

در مورد جستجو و سلمان‌دهی آیینی از قرآن کریم که بر حسب روایات معصومین<sup>۲</sup>، گوشه چشمی به مسئله انتظار و مهدویت در جمعه اسلامی دارند یا بدان تأویل شده‌اند نیز آثار فراوانی به قلم بزرگان به نگارش درآمده است که به‌عنوان مسطوره‌ای از این سنخ نوشته‌ها می‌توان کتاب *المحجّه فیما نزل فی القائم الحجّه* # نوشته محدث شیعه، سید هاشم بحرلی م ۱۱۰۷ یا ۱۱۰۹ ق را نام برد. بر این منوال نوشته‌های بلند و کوتاه در ذیل عنوان رجعت و مانند آن چندان فراوان است که شمارش و معرفی شمار واقعی آنها آسان نیست. (ر.ک به: قلیزگر تهرانی، بی‌تا: ۹۵ / ۱ - ۹۰) با این همه، نسبت به حقیقت انتظار به‌عنوان پیمانی آسمانی در ذهن و زندگی پیامبران الهی و امت‌های آنان از آغاز تاریخ نبوت از نگاه قرآن جستجویی درخور، به نظر نگارنده نرسیده است؛ نوشته پیش رو به صدد طرح مسئله در شعاع بررسی برخی از مضامین مندرج در یکی از آیات شریف قرآنی است. اگر این جستجو را یافته‌ای باشد، هم‌ماطرح رد پای انتظار در تملی دوره تاریخ نبوت و تأثیر آن در حیات آفرینی جمعه بشری به‌مثابه مؤلفه‌ای نیرومند در راستای تولب‌بخشی روائی لسان‌ها در

درازنای تاریخ از نگاه قرآن خواهد بود.

در قرآن کریم آیتی است که به گمان نگارنده به صورتی روشن از جریان حقیقت‌لتظار و اهمیت آن، بـمـثـابـه عملی بیداری بخش در تملی امت‌های پیشین پرده برمی‌دارد؛ جریلی که به‌رغم روشن بودن، به هر دلیل از سوی مفسران مورد توجه جدی قرار نگرفته و بدین روی، ذیل آن آیه، بحث‌های زبلی و نحوی درازدامن و کج‌حاصلی در سایه این تسلمح پیش آمده است، بدون آنکه به اصلی‌ترین مضمون آن توجه جدی صورت پذیرد.

خداوند در سوره مبارکه آل عمران آیه ۸۱ می‌فرماید:

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ.

و یاد کن زمانی را که خداوند از پیامبران پیمان گرفت: که آنچه برای شما از کتاب و حکمت آوردم، پس آنگاه پیامبری برایتان آمد که آنچه را با شما است تصدیق کند البته بدو ایمان آورید و حتماً وی را یاری کنید؛ سپس خداوند فرمود: آیا بر این حقیقت اقرار کردید؟ و عهد مرا پذیرفتید؟ گفتند: [آری] گفت: پس بر این پیمان و پذیرش گواه باشید و من در کنار شما از گواهانم.

پرسش اساسی این است که خدای حکیم را از این میثاق و پیمان چه هدف حکیمانه‌ای منظور بوده است؟ آیه مورد بحث در نگاه مفسران از آیات غریب و دشوار یاب قرآن به‌شمار رفته است (حائری تهرلی، ۱۳۳۷: ۲ / ۲۲۵) و بدین روی مباحث نحوی فراولی را موجب گشته و چه‌بسا پرسش مزبور به زاویه فراموشی رفته است. آیا منظور لقاء حقیقت‌لتظار به‌عنوان پلمی ریشه‌ای نیست؟ و گونه‌ای پرورش رولی از رهگذر رشد آملگی پیوسته در جهت پذیرش هم‌اره الگوی بهتر و بایستگی گردن نهادن به فرمان پلمبری که هر لحظه، احتمال آملن او می‌رود؟ اکنون می‌تولد این پرسش تقریری بـمـثـابـه فرضیه جستجوی حاضر تلقی گردد و در پایان ملاحظه شود تا نتیجه جستجو چیست.

### انتظار در ادیان الهی

به گونه اجمال می‌دلیم که در ذهنیت و فرهنگ ادیان پیشین نمودهایی از چنین پلمی وجود داشته و دارد؛ چنان‌که در کتاب مقدس مسیحیان آمده است: چون یحیی در زندان وصف کارهای مسیح را

شنید شاگردان خود را نزد وی فرستاد تا بپرسند: آیا تو همی که می‌بایست بیاید؟ یا منتظر دیگری باشیم؟ عیسی در پاسخ گفت: بروید و آنچه را که می‌بینید و می‌شنوید به یحیی بازگویید که کوران بی‌نامی شوند، لنگان راه می‌روند، جنلمیان پاک می‌گردند، کران شنوا می‌شوند، مردگان زنده می‌گردند و به فقیران بشارت داده می‌شود. خوشا به حال کسی که به سبب من نغمزد. (متی: ۱۱ / ۷ - ۲)؛ (لوقا: ۱۸ / ۲۳) در توراتی که هم اکنون در میان یهودیان است این عبارات دیده می‌شود:

یهوه خدایت نبی‌ای را از میان تو از برادرانت مبعوث خواهد گردانید؛ او را بشنوید موافق هر آنچه در حوریب<sup>۱</sup> در روز اجتماع از یهوه خدای خود مسئلت نموده ... تا آنجا که گویند نبی‌ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهیم کرد و کلام خود را به دهانش خواهیم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت و هر کسی که سخنان مرا که او به اسم من گوید نشنود من از او مطالبه خواهیم کرد. (تورات، سفر تثنیه: ۱۸ / ۲۰ - ۱۵)

بدین منوال در کتابهای عهد عتیق از مزامیر و ثسعیا و هوشع گرفته تا علموس و ناحوم و پالمیر این مجموعه، «ملاکی» و دیگر آثار آن عهد (ر.ک به: کرینستون، ۱۳۷۷) در تملی اینها رگه‌هایی روشن و برجسته از انتظار به صورتهای گوناگون دیده می‌شود. (مزامیر ۲۲ / ۳۱ - ۲۷ و ۵۶ / ۵ - ۲ و ۸۶ / ۱۰ - ۹) نیز (ثسعیا: ۴۰ / ۶ - ۳؛ ۴۱ / ۲۸ - ۲۵ و ۴۲ / ۵ - ۱)؛ (علموس: ۹ / ۱۵ - ۱۱)، (ناحوم: ۱ / ۱۵) و (ملاکی: ۴ / ۶ - ۵). بیان و شرح وجوه افتراق نگاهها نسبت به تصویر انتظار در آثار یادشده از محدوده این نوشته بیرون است.

### راز پیمان مورد بحث در آیه

آنچه در اینجا بسیار مهم به نظر می‌رسد این است که برابر گواهی آثار عهد عتیق، پالمیران الهی همواره آتش شوق را در دل‌ها زنده نگه می‌داشتند و گاهی به تصویر آینده‌ای می‌پرداختند که در آن برکتهای خداوندی همه امتهای زمین را شامل می‌شود (ر.ک به: کرینستون، ۱۳۷۷: ۲۱، ۲۹ و ۳۲) چرا آنان با جدیت تمام در اندیشه آماده نگه داشتن مردم بودند تا مگر به ناگاه پالمیری تازه با

---

۱. حوریب - که در دعای سمات به تصحیف حوریب خوانده شده - نام کوهی است در سمت راست کوه طور در شبه جزیره سینا در شمال دریای سرخ که جایگاه نخستین تجلی الهی بر حضرت موسی<sup>×</sup> است. (جهت آگاهی بیشتر ر.ک به: بلاغی، ۱۳۷۱: ۸۴ و ۱۱۷ - ۱۱۶؛ منلی کاشانی، ۱۳۱۹: ۴۳ و از همه مفصل‌تر، قاموس کتاب مقدس: ۴۹۹ - ۴۹۸)

آموزها و شریعتی فرازین‌تر بیاید و همه از پیامبر تا امت وظیفه پیروی از او را پیدا کنند؟! در این نوشته برآنیم که از آیه مورد بحث به حقیقتی دست یابیم که به موجب آن آتش شوق به آینده‌ای روشن‌تر تصویری دل‌نگیز را برای پیامبران و امت‌های آنان در تملی تاریخ پیوند زمینیان با آسمان رقم می‌زند، تا به راز آن پیشگویی‌ها و آماده‌سازی‌ها نزدیکتر شویم و آن اینکه نفس لنتظار وضعیت بهتر یا بهترین وضعیت، خود از حکمتی والا برخوردار است. آنچه در این درنگ، محور و گرلیگاه اصلی جستجو را تشکیل می‌دهد واکاوی راز پیمانی است که در آیه مطرح شده و در وقع کلیدی‌ترین مفهوم آیه به‌شمار می‌رود؛ یعنی همان تمرین آمادگی و زنده ماندن آتش لستیاق در تملی امت‌ها. بدین روی همه سخن ما بر پایه آن می‌چرخد؛ بخش‌های دیگر آیه تفصیل‌های زیبایی، نحوی و تفسیری گسترده‌ای را می‌طلبد که باید جداگانه بدان پرداخت.

### مفهوم‌شناسی میثاق

واژه میثاق و موثق که به صورت‌های مفرد و مضاف با بسامدی نزدیک به سی بار در آیات قرآن به‌کار رفته، در اصل به‌معنای ریسمان محکم یا قیدی است که با آن، شخص اسیر یا حیوانی را به بند می‌کشند. (ابن اثیر، ۱۳۶۴: ۵ / ۱۵۱) و در قرآن به‌معنای پیمان استوار است؛ زیرا «عهد» به‌تنهایی معنای پیمان را می‌دهد و میثاقی عهد؛ یعنی استوار کردن آن پیمان. (ر.ک به: بقره / ۲۷؛ رعد / ۲۵)

### میثاق النبیین

#### الف) اضافه به فاعل

ترکیب «میثاق النبیین» در آغاز آیه، ممکن است از باب اضافه مصدر به فاعل باشد؛ یعنی: الميثاق الذي وثقه النبيون على اممهم: میثاقی که پیامبران از امت‌های خود گرفتند؛ یعنی همان میثاق خدایی که برابر صیغه امر مقدر در آغاز آیه (اذکر) باید مورد یادآوری قرار گیرد. (جنابزی، ۱۳۴۴: ۱ / ۲۷۸؛ قمی مشهدی، ۱۳۱۰: ۳ / ۱۴۴) در این نگاه، آنکه در مرحله نخست و بلاذات مورد میثاق قرار می‌گیرد، امت‌ها هستند و پیامبران تنها مأمور رساندن میثاق الهی به مردم تلقی می‌شوند؛ به عبارت دیگر، یک طرف پیمان پیامبران هستند که از سوی خداوند، فرمان رساندن پیام الهی به مردم را دریافت کرده و به مردم ابلاغ داشته‌اند «فَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ» (مائده / ۹۹) و سوی دیگر مردم قرار می‌گیرند که طرف اصلی پیمان به حساب می‌آیند می‌توان تصور کرد که گرایش بدین توجیه به‌لحاظ وجود آیه تهدیدآمیز پس از آن

است که می‌فرماید: «فَمَنْ تَوَلَّى بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ (آل عمران / ۸۲) هر آن کس بعد از این پیمان بدان پشت کند، پس هر آینه آنان فاسقان خواهند بود.» و چون احتمال فسق در پیلمبران معصوم الهی نمی‌رود، پس آنان نمی‌توانند طرف میثاقی با چنین پیامدی سخت به‌عنوان سپارنده آن باشند.

#### ب) اضافه به مفعول

نگاه دیگر آنکه ترکیب یاد شده از باب اضافه مصدر به مفعول دیده شود؛ بدین بیان که خداوند پیش از امتها، از خود پیلمبران پیمان گرفته است و امتها به‌عنوان تابع در مرحله دوم قرار می‌گیرند (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۳ / ۳۶۵) در این نگاه یک سوی میثاق، خداوند است که پیمان می‌گیرد و طرف دیگر، پیلمبران که گردن به پیمان می‌نهند برخی از مفسران که این توجیه را پذیرفته‌اند به همان ملاحظه یاد شده در توجیه پیش به تقدیر مضامی بین میثاق و النبیین قائل شده و گفته‌اند: مقصود آن است که طرف میثاق خداوند نه پیلمبران بلکه اولاد یا اتباع یا امت‌های آنان می‌باشند، چنان‌که روایتی هم برای این معنا نقل شده است، (طبرسی، ۱۳۶۷: ۱ / ۱۸۶) بدین صورت که اصل آن بوده است: «و اذ اخذ الله میثاق اولاد النبیین» یا «اتباع النبیین» یا «امم النبیین». (طوسی، ۱۳۳۱: ۲ / ۵۰۴ - ۵۰۳) چه در آیه بعد سخن از امکان تخلف طرف میثاق است و تهدید آنان از سوی خداوند، درحالی که پیلمبران الهی به دلیل عصمت از ارتکاب چنین خلافی مصون هستند (ابومسلم اصفهانی، ۱۳۸۸: ۱۵۷؛ صافی، ۱۴۱۱: ۳ و ۴ / ۲۳۱)

#### نقد و بررسی

به نظر نویسنده همان سان که بزرگان بدان اشاره کرده‌اند وجود تهدید در آیه هرگز نمی‌تواند قرینه‌ای بر لزوم تقدیر یا اضافه مصدر به فاعل باشد؛ زیرا عباراتی تیزتر و صریح‌تر از این سخن نسبت به پیلمبران و حتی پیلمبر خاتم مشاهده می‌شود که تأویل و توجیهی این چنین را بر نمی‌تابند. (ر.ک به: حلقه / ۴۴؛ تحریم / ۱؛ اسراء / ۷۵ و زمر / ۶۵) و اساساً سخن آیت‌ی این چنین نه لزوماً به‌معنای تهدید بلکه صورتی از تأکید بر مضمون و گونه‌ای از شدت اهتمام بر آن از سوی گوینده است؛ بنابراین پذیرفتنی است که ترکیب براساس ظاهر آیه بر اضافه مصدر به مفعول حمل شود. بدین روی در مرحله نخست، پیلمبران و در مرحله بعد و از طریق پیلمبران، امت‌های آنان طرف میثاق خداوند قرار می‌گیرند و تهدید مندرج در آیه بعد به گونه فرض، پیلمبران را نیز دربر می‌گیرد، (حائری تهرانی، ۱۳۷۷: ۱ / ۲۲۶) نشانه تأکید و شدت اهتمام خدا بر مسئله میثاق است. البته روشن

تفسیر میثاق در آیه شریفه «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ» □ ۱۳

است که در هر امتی، پیامبر یکی است و افراد امت فراوان و چنانچه تهدیدها حمل بر معنای حقیقی هم بشود قلمون زبلی و عقلایی تغلیب جریان دارد و از این جهت مشکلی دیده نمی‌شود.

برخی از مفسران موضوع این پیام و پیمان را مسئولیت پیامبران تنها در پیوند با تصدیق و ایمان به آمدن پیامبر آخر الزمان | و سپس پیمان از مردم برای ایمان و یاری آن حضرت دانسته‌اند. (طبرسی، ۱۳۶۸: ۱ و ۲ / ۴۶۸)

در نگاه نگارنده درنگ در این دست چالش‌ها، زمینه‌ساز دوری از ظهور عرفی آیه می‌گردد و طالب علم را از دریافت والایی‌هایی که در ژرفای آیه نهفته است باز می‌دارد. بدین روی آیه باید بر ظاهر استوار خود حمل گردد و آن اینکه دو سوی میثاق، یکی خداوند است به‌عنوان گیرنده پیمان و سوی دیگر تملی پیامبران الهی، چه آنکه در یک جا از همه در فضایی که ما را چندان از آن آگاهی نیست، مانند عالم ملکوت ایمن یا جبروت (حسینی عرقی، ۱۳۵۵: ۱ / ۲۳۹) یا عالم «دَر» (طیب، بی‌تا: ۳ / ۲۶۶؛ جنابزی، ۱۳۴۴: ۱ / ۲۸۷)<sup>۱</sup> و چه آنکه از هر پیامبری جداگانه هم‌زمان با دریافت سمت پیامبری از سوی خداوند پیمان گرفته بشود؛ زیرا از ظاهر لفظ بر نمی‌آید که خداوند از همه پیامبران در یک زمان و یک مکان پیمان گرفته بشود، (مازندرانی، ۱۴۱۰: ۱ / ۸) عمده سخن، تأمل در راز چنین پیملی است که باید به درستی فهمیده شود.

### اخذ پیمان از پیامبران و امت آنان

حاصل سخن با توجه به ظاهر آیه آن است که خداوند از هر پیامبری، در مرحله نخست از خود وی و سپس به واسطه او از امتش، پیمان گرفته است که چنانچه شما در زمان حیات خود، پیامبری با اوصاف یاد شده در آیه را درک کردید باید بی‌درنگ به وی گرویده به یاری او برخیزید (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۳ / ۳۶۶) بر این پایه هر پیامبری همواره باید خود را در حال انتظار فرستاده بعدی خدا بداند و امت خود را نیز بدین باور سوق دهد و بدین منوال چراغ انتظار همواره در دل آن پیامبر و امتش تابا به آخر روشن می‌ماند؛ خداوند با این فرمان حکیمانه بر آن بوده است که امت‌ها را همیشه در انتظار فضایی بهتر و در تلاش برای آمدگی خدمت در آن فضای ایستاد نگه دارد. حال نوبت این تحلیل می‌رسد که چنین حالتی به فرض تحقق در دل‌ها و روان‌ها چه بر پامی‌کند و در رفتار مردم چه سللملی را به راه می‌اندازد؟! و این ساختار روانی و سلمان رفتاری در سلوک تکلملی لسان چه نقشی بازی می‌کند؟ حال،

۱. در مورد چند و چون علم دَر ر.ک به: سید مرتضی، ۱۴۲۸: ۱ / ۵۶ - ۵۴ و نیز: حسینی بهشتی، ۱۳۵۷: ۵۳ - ۴۷.

چه انتظار واقعی، روزی به سر آید یا آنکه مرگ میان او و مرادش فاصله ندارد، در هر صورت خود انتظار در نظام حکیمانه الهی جایگاهی بلند دارد؛ زیرا در آماده‌سازی و تحرک لسان‌ها دارای تأثیری والاست. البته مصدقی بلکه تمّ مصادیق این آیه می‌تواند در پیوند با ظهور پیامبر خاتم تحقق یابد، اما مفهوم آن سر بیان حقیقت انتظار برای تملی امتها و پیامبران نسبت به مرحله تکمیل یافتن و پیشرفت و شریعت کامل‌تری که پس از آنها باید بیاید، می‌تواند مصداق دشته باشد، بدین روی مفسران بر آنند که در هر صورت، شخصیت مورد انتظار تملی پیامبران و امتها در همه زمان‌ها حضرت رسول است، چنان‌که گفته‌اند «مراد این است که اگر آن لبیا به فرض و تقدیر تا زمان آن حضرت بماند، باید که ایمان به او بیاورند و ایشان را یاری کنند و قوم خود را نیز به این معنا امر کنند و از ایشان عهد بگیرند. (شریف لاهیجی، ۱۳۴۰: ۱/۳۴۴؛ طبرسی، ۱۳۶۸: ۱ و ۲/۴۶۸)

### دیدگاه مفسران

طبری و دیگران روایتی را از امیرمؤمنان × نقل کرده‌اند که مضمون آن، مفهوم دقیق و مصداق بارز آیه را به ذهن نزدیک می‌سازد:

... عن ابی ایوب عن علی بن ابی طالب قال: لم یبعث الله عزوجل نبیاً آدم فمّن بعده  
 الا اخذ علیه العهد فی محمد لئن بُعثَ و هو حی لیؤمننّ به و لینصرنه و یأمره  
 فیأخذ العهد علی قومه فقال: و اذ اخذ الله میثاق النبیین لما آتیتکم من کتاب و  
 حکمه ... الآیه. (طبری، ۳۹۸: ۱/۳۲۶؛ قمی مشهدی، ۴۱۰: ۳/۴۵؛  
 آلوسی، ۴۰۵: ۳/۲۰۹ - ۲۰۸؛ حائری تهرانی، ۳۳۷: ۱/۲۶۶؛ سیوطی،  
 ۴۰۴: ۲/۲۵۲؛ فیض کاشانی، ۳۷۶: ۱/۱۵۸)

خداوند هیچ پیامبری را از آدم × گرفته تا پیامبران بعدی به رسالت مبعوث نکرد، مگر آنکه از او عهد گرفت که اگر در مدت زندگی او آن حضرت مبعوث شد باید به وی ایمان آورده و یاری‌اش کند و به او فرمان داد که بر همین منوال هر پیامبری از قوم خود پیمان بگیرد.

ملاحظه می‌شود که ترکیب «لئن بعث و هو حی» با چنین ساختاری مؤکد، تنها حاکی از خبر دادن سلاه نیست، چنان‌که بعضی احتمال داده‌اند، (شریف لاهیجی، ۱۳۴۰: ۱/۳۴۴) بلکه حاکی

از لزوم انتظار جدی و آماده‌سازی جهت اقدام لازم در هر لحظه است. همچنین این بیان که گرفتن میثاق یاری پیامبری که ندیده‌اند، بدین صورت فرض شود که تنها در دل او را تصدیق کنند و به حقیقت وی قرن‌ها پیش از آمدنش قرار بیاورند؛ (طوسی، ۱۴۳۱: ۲ / ۵۰۴ - ۵۰۳؛ شریف رضی، ۱۳۵۵: ۱۳۶) زیرا این در واقع معنای یاری کردن نیست و بعهدتدت خلاف ظاهر آیه است. سید رضی در این باره گفته است: مقصود این است که همان پیامبری که شما در کتاب‌های خود یافته و او را شناخته‌اید (شریف رضی، ۱۳۵۵: ۱۳۶) و بدین سان دست از ظهور «رسول» در قالب نکره برداشته و آیه را به گونه‌ای با آیه ۱۵۷ سوره اعراف «الَّذِي يَجِدُ وَثَّةً مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ...» و آیه ۶ سوره صف «وَمُبَشَّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ...» از نظر مضمون یکی دانسته است. البته در اینکه از آیات قرآن و گزارش‌هایی که از کتاب‌های عهدین داده می‌شود برمی‌آید که پیامبران گذشته به ظهور پیامبر اسلام | بشارت می‌داده‌اند، بحثی نیست و کسلی از دیرباز به گردآوری و گزارش آن بشارت‌ها همت گمشته و مجموعه‌های درخوری را سلمان داده‌اند<sup>۱</sup>

حتی گفتگوهای میان عالمان دینی و پروان عهدین در این زمینه‌ها صورت گرفته است که گاهی گزارش اجمالی آنها را می‌توان در نوشته‌های آنان یافت. (ر.ک به: نرقی، ۱۳۶۳: ۱۱۷ - ۱۱۶) اما سخن در این است که چون آیه مورد بحث نه فقط در مقام بشارت بلکه درصدد بیان دمیده شدن روح انتظار و لزوم آمادگی برای وضعیت بهتر در تملی پیامبران و امت‌های پیشین است، مفهوم آن کلی و فراگیر است؛ یعنی هر پیامبری چنین فرض می‌کند که پیامبر بعدی همان است که بر سر او خداوند از وی میثاق گرفته است و بدین سان در گستره مقلد آیه - به‌ویژه با توجه به نکره بودن رسول - به‌گونه‌ای ابهام و شمول مفهومی دامن زده شده است که به نوبه خود سازنده است؛ زیرا دریافت تنها مفهوم عظمت از لفظ نکره در اینجا و یا اینکه شدت معرفیت مراد از رسول در این عبارت، مجوز نکره شده باشد - چنان که بعضی گفته‌اند - چندان روشن نیست (حسینی عرقی، ۱۳۵۵: ۱ / ۲۳۹) بلکه معنای مطلق رسالت در مسیر تکلمی نبوت‌ها به صورتی روشن‌تر از این هیئت نکره و افراد فهمیده می‌شود. (طالقلی، ۱۳۵۸: ۵ / ۲۱۵)

سید رضی خود به چنین ابهامی گردن نهاده و گفته است: این سخن خداوند بدین صورت است که مثلاً کسی به دوست مسافرش می‌گوید: اگر من هزینه سفر و مرکب و وسائل مسافرت را

۱. ملند کیرلوری، ۱۳۸۴: ۲ / ۴۳۲ - ۳۲۷؛ حسینی تهرلی، بی‌تا: بخش‌های زیادی از آن؛ کتلی، ۱۲۸۵: ۲۳۳ - ۱۹۸؛ همو، ۱۳۰۹: ۳۲ به بعد؛ نرقی، ۱۳۳۱: ۱۳۰ - ۸۸ و فخرالاسلام، ۱۳۵۱: ۱ / ۱۸ - ۸.

پرداختم و تو را تا رسیدن به مقصد کمک کردم، زمئی که کار تو پایان یافت باید متعهد شوی که چون نلمه من به تو رسید و در آن کاری از تو خواسته شده بود آن کار را به انجام رسانی؛ پیداست که از چنین قراری بر نمی آید که گوینده خبر می دهد که آن نلمه را خواهد نوشت، بلکه مقصود از آزمون میزان اطاعت پذیری مسافر و شتاب و توجه مسافر و آمادگی اوست (ر.ک به: شریف رضی، ۱۳۵۵: ۱۳۵) بدین روی مفاد کلی آیه چنین می شود که خداوند از پیامبران خود بدین گونه پیمان گرفته که هر پیامبری باید به پیامبر پس از خود در صورت درک زمان او ایمان آورد و وی را یاری رساند و همچنین قوم و امت خود را بدین امر سفارش کرده یا فرمان دهد (حائری تهرانی، ۱۳۳۷: ۲ / ۲۲۴)؛ چراکه همه در یک مسیر قرار دارند و آمدن یکی مستلزم از میان رفتن مرام پیشین نیست و همه در اصول، یکی هستند (مراغی، ۱۳۹۴: ۱ / ۱۹۹) بر این اساس معنا و پیام آیه لزوم تصدیق پیامبران گذشته از سوی هر پیامبر و لزوم تعهد و انتظار نسبت به پیامبری که پس از وی خواهد آمد، می باشد. و این معنای روشن بودن چراغ انتظار و لزوم آمادگی همیشگی برای ورود به وضعیت بهتر و در بایستگی پذیرش تعهدات لازم در وضعیت جدید است.

### نتیجه

از تأمل در میثاق مندرج در آیه ۸۱ سوره آل عمران چنین به دست می آید که جریان پیوسته انتظار در تاملی دوره های تاریخ پیامبران الهی، به عنوان عملی حرکت آفرین و چراغی روشن فراراه امتها به پشتوانه اراده حکیمانه خداوند در همه نسلها تعبیه شده است. بر اساس ظهور این آیه شریفه هیچ دوره ای نبوده است که فرهنگ جوامع دینی از ایده انتظار آینده ای ایمنال و نجاتبخش به رهبری بزرگی از برگزیدگان خدا خالی باشد؛ از آنجا که در شمار فراوانی از امتهای پیشین به رغم وجود انتظار و پافشاری بر آن، ظهور منجی به وقوع نپیوسته است و با توجه به نقش آفرینی حکمت خداوندی در این مسئله، ذهن کاوشگر بدین نتیجه نزدیک می شود که حکیم مطلق تکلیف انتظار را به منظور تمرین آمادگی امتها و رشد و کمالی که در نفس انتظار نهفته، تشریح فرموده و از این میثاق سخن گفته است.

### منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- آکوسی، سید محمود، ۱۴۰۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار

- احیاء لثراث لعربی.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۴، *النهاية في غريب الحديث و الاثر*، قم، اسماعیلیان.
  - ابو مسلم اصفهانی، محمد بن بحر، ۱۳۸۸، *جامع التأویل لمحکم التنزیل*، به کوشش محمود سرمدی، تهران، علمی و فرهنگی.
  - بحر لوی، سید هاشم، ۱۴۰۳ ق، *المحججه فیما نزل فی القائم الحججه*، تحقیق محمد منیر لمیلاندی، بیروت، مؤسسه لوفاء.
  - بلاغی، سید عبدالحججه، ۱۳۷۱ ق، *فرهنگ سمات*، تهران، شرکت سهامی طبع کتاب.
  - بهشتی، محمد، ۱۳۴۲، *ادیان و مهدویت*، تهران، مؤسسه انتشارات کورش کبیر.
  - تهر لوی، آقابزرگ، بی تا، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت، دار الاضواء.
  - جنابذی، سلطان محمد، ۱۳۴۴، *بیان السعاده فی مقامات العبادة*، تهران، انتشارات دلشگاه تهران.
  - جوادی آملی، عبدلله، ۱۳۷۸، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء.
  - حائری تهر لوی، میر سید علی، ۱۳۳۷، *مقتنیات الدرر*، تهران، دار لکتاب الاسلامیه.
  - حسینی بهشتی، سید محمد، ۱۳۵۷، *خدا از دیدگاه قرآن*، تهران، بعثت.
  - حسینی تهر لوی، سید علی، بی تا، *منقول الرضایی*، بی جا، قسمت چاپ سنگی.
  - حسینی تهر لوی، سید محمدحسین، ۱۴۰۲ ق، *مهر تابان*، بی جا، باقر لعلوم.\*
  - حسینی عرقی، نورالدین، ۱۳۵۵، *القرآن و العقل*، تهران، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشان پور.
  - زردن کوب، عبدالحسین، ۱۳۶۲، *تاریخ در توازو*، تهران، لیر کبیر.
  - سید مرتضی، علی بن حسین، ۱۴۲۸ ق، *المالی المرتضی*، قم، ذوی لقری،
  - سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ ق، *الدر المشور فی التفسیر بالمأثور*، قم، مکتبه آیت الله مرعشی.
  - شریف رضی، محمد بن حسین، ۱۳۵۵ ق، *حقایق التأویل فی متشابه التنزیل*، شرح محمد رضا آل کاشف لخطا، بیروت، دار لمهاجر.
  - شریف لاهیجی، بهاء الدین محمد، ۱۳۴۰، *تفسیر شریف لاهیجی*، تصحیح محمد لبر لیم آیتسی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی.
  - صافی، لطف لله، ۱۳۷۳ ق، *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر*، تهران، مکتبه لصدر.
  - صافی، محمود، ۱۴۱۱ ق، *الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانہ*، بیروت، دار لرشید.
  - طالقانی، سید محمود، ۱۳۴۴، *آینده بشریت از نظر مکتب ما*، تهران، شرکت لشار.
  - \_\_\_\_\_، ۱۳۵۸، *پرتویی از قرآن*، گردآوری سید محمد مهدی جعفری، تهران، شرکت

- سهامی لشار.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۸۹ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران، دار لکتب الاسلامیه.
  - طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۸، *جوامع الجامع*، تصحیح بولقاسم گرجی، تهران، نشرات دلشگاه تهران.
  - \_\_\_\_\_، ۱۳۹۰ ق، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح بولحسن شعرلی، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
  - طبری، محمد بن جریر، ۱۳۲۴ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، مصر، بولاق.
  - طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۳۱ ق، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد حبیب قصیر لعاملی، بیروت، الامیره.
  - طیب، سید عبدالحسین، بی تا، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، اسلامی.
  - عسکری، جعفر بن محمد، ۱۳۶۰، *المهدی الموعود المنتظر # عند علماء اهل السنه و الامامیه*، تهران، مؤسسه الامام مهدی #.
  - علم لهدی، مرتضی، ۱۳۵۳، *منتظر جهان و راز طول عمر*، تهران، بعثت.
  - فخر الاسلام، محمدصادق، ۱۳۵۱، *انیس الاعلام فی نصره الاسلام*، تنظیم سید عبدالرحیم خلخانی، تهران، مرتضوی.
  - فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۳۷۶، *الاصفی فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمدحسین دریستی و محمدرضا نعمتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
  - قمی مشهدی، محمدرضا، ۱۴۱۰ ق، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق حسین درگاهای، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
  - کاشانی، ملا محمدتقی، ۱۲۸۵ ق، *هدایة الطالبین در اصول دین*، چاپ سنگی، تهران، کارخانه آقامیر محمدباقر طهرلی.
  - \_\_\_\_\_، ۱۳۰۹، *هدایة الجاحدین*، چاپ سنگی، تهران، بی تا.
  - *کتاب مقدس* «عهد عتیق و عهد جدید»، ۲۰۰۲ م، ایلام، بی تا.
  - کریستون، جولیس، ۱۳۷۷، *انتظار مسیحا در آیین یهود*، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز ایان.
  - کیرلوری، رحمه الله بن خلیل لرحمن، ۱۳۸۴ ق، *اظهار الحق*، بیروت، لمکتبه لمصریه.
  - مازندرلی، محمد بن علی بن شهر آشوب، ۱۴۱۰ ق، *متشابه القرآن و مختلفه*، قم، بیدار.
  - ملذی کاشانی، ملا عبدالرسول، ۱۳۱۹، *آب حیات در شرح دعای سمات*، کاشان، چاپخانه عرفان.
  - مراغی، احمد مصطفی، ۱۳۹۴ ق، *تفسیر المرائی*، بی جا، بی تا.

تفسیر میثاق در آیه شریفه «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ» □ ۱۹

- مصباح‌زادی، محمدتقی، ۱۳۸۸، **جامعه و تاریخ**، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- نرقی، ملا احمد، ۱۳۳۱ ق، **سیف‌الامه**، بی‌جا، چاپ سنگی توسط حاجی میر محمدعلی شبستری.
- نرقی، مولی محمد مهدی، ۱۳۶۳، **انیس‌الموحیدین**، تصحیح محمدعلی قاضی طباطبایی، تهران، گزهره.
- هاکس، جیمز، ۱۳۸۳، **قاموس کتاب مقدس**، تهران، لساطیر.